

## Reflections of Chinese debt trap diplomacy on the continuation of the third world economic crisis; Lessons for Iran

**Reza Simbar** Corresponding Author Professor of International Relations, Political Science Department, University of Guilan, Rasht, Iran E-mail: rezasimbar@hotmail.com

**Saeid Arya** PhD student of International Relations, Political Science Department University of Guilan, Rasht, Iran E-mail: saeidarya1990@yahoo.com

**Ahmad Jansiz** Associate Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Rasht, Iran.. E-mail: jansiz@yahoo.com

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

China,  
Iran,  
Diplomacy,  
Debt-trap,  
Exploitation.

### ABSTRACT

Debt trap" is a title that refers to a type of diplomacy in which one international Institution grants heavy loans to another institution (which is generally a legitimate government). These types of loans are generally granted to countries that are not in a favorable financial situation and it is expected that these countries will not be able to repay the said loans. In such a situation, the lending institution considers the natural resources of the borrowing country as the basis of the loan payment, and in this way, a new type of political-economic exploitation is formed. China is one of the actors that uses this type of diplomacy. How China's debt trap diplomacy has deepened financial and political crises in the third world is the title of the question on which this research is written. The proposed hypothesis indicates that China, as one of the largest economic hubs in the world, seeks to develop financial markets and also expand its strategic depth and it requires penetration into countries that supply natural resources. By granting heavy loans to less developed countries and influencing the economic structure and consequently the political structure of these countries, China is experiencing a new type of exploitation that has become a legal form and in the long run, it will deepen the financial-political crises in third world countries. Venezuela and Sri Lanka are two countries that their experience can confirm the hypothesis of this research. This research is written in a descriptive-analytical way using new scientific sources and finally, it puts forward some teachings that can open the way for better interactions between Iran and China.

**Cite this Article:** Simbar, R. Arya, S. and Jansiz, A. (2025). Reflections of Chinese debt trap diplomacy on the continuation of the third world economic crisis; Lessons for Iran. *International Relations Researches*, 14(4), 255-279. doi: 10.22034/irr.2024.488603.2626



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** : 10.22034/irr.2024.488603.2626



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بازتاب‌های دیپلماسی تله‌بدهی چینی بر تداوم بحران اقتصادی جهان سوم؛ آموزه‌هایی برای ایران

رضا سیمبر نویسنده مسئول، استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

رایانامه: [rezasimbar@hotmail.com](mailto:rezasimbar@hotmail.com)

سعید آریا دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

رایانامه: [saeidarya1990@yahoo.com](mailto:saeidarya1990@yahoo.com)

احمد جانسیز دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: [jansiz@yahoo.com](mailto:jansiz@yahoo.com)

درباره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	«تله‌بدهی» عنوانی است که به نوعی از دیپلماسی اشاره دارد که در آن یک نهاد بین‌المللی به نهاد دیگر (که عموماً یک دولت قانونی است) وام‌های سنگین اعطا می‌کند. این نوع وام‌ها عموماً به کشورهایایی اعطا می‌شود که در وضعیت مالی مساعدی نبوده و چنین پیش‌بینی می‌شود که این کشورها توانایی بازپرداخت وام‌های مذکور را ندارند. در چنین وضعیتی نهاد وام‌دهنده منابع طبیعی کشور وام‌گیرنده را به عنوان پشتوانه وام‌پرداختی در نظر می‌گیرد و از این طریق نوعی روابط نوین سیاسی - اقتصادی شکل می‌گیرد. چین یکی از بازیگرانی است که از این نوع دیپلماسی استفاده می‌نماید. اینکه دیپلماسی تله‌بدهی چین چگونه باعث تعمیق بحران‌های مالی و سیاسی در کشورهای درحال توسعه شده است عنوان سوالی است که این پژوهش بر محور آن نگاشته شده است. فرضیه مطرح شده اشاره می‌دارد که کشور چین به عنوان یکی از بزرگترین قطب‌های اقتصادی جهان در پی توسعه بازارهای مالی و همچنین گسترش عمق استراتژیک خود نیازمند نفوذ به کشورهای عرضه‌کننده منابع طبیعی است. این کشور با اعطای وام‌های سنگین به کشورهای کمتر توسعه‌یافته و نفوذ در ساختار اقتصادی و به تبع آن ساخت سیاسی این کشورها، نوعی از رابطه یک سویه سودمند جدید را تجربه می‌نماید که صورت قانونی به خود یافته و در بلندمدت باعث تعمیق بحران‌های مالی - سیاسی در کشورهای جهان سوم می‌شود. ونزوئلا و سریلانکا دو کشوری هستند که تجربه آنها می‌تواند فرضیه این پژوهش را تأیید نماید. این تحقیق به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع علمی جدید نگاشته شده و در نهایت آموزه‌هایی را مطرح می‌نماید که می‌تواند راهگشای تعاملات بهتر میان ایران و چین باشد.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> چین، ایران، دیپلماسی، تله‌بدهی، استثمار	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	

استناد به این مقاله: سیمبر، رضا آریا، سعید و جانسیزه احمد. (۱۴۰۳). بازتاب‌های دیپلماسی تله‌بدهی چینی بر تداوم بحران اقتصادی جهان

سوم؛ آموزه‌هایی برای ایران. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۲۵۵-۲۷۹. doi: 10.22034/irr.2024.488603.2626

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





با توسعه روندهای اقتصادی و تغییر مفهوم قدرت و نیز ظهور مفاهیمی چون کارکردگرایی<sup>۱</sup>، منطق تسری<sup>۲</sup>، همگرایی<sup>۳</sup>، چندجانبه گرایی<sup>۴</sup>، نولیبرالیسم<sup>۵</sup> و... درک سنتی از مفهوم اقتصاد با تحولات عمیقی همراه گشت. نظم اقتصادی جدید حاکم بر نظام بین الملل، بازیگران را در دو طیف رهبران اقتصادی و تابعین تقسیم نمود. رهبران اقتصادی کشورهای قدرتمندی هستند که بخش عمده اقتصاد جهانی را در اختیار دارند و تابعین بخش عمده ای از کشورهای در حال توسعه ای را شامل می گردد که از لحاظ اقتصادی «ضعیف» و از لحاظ سیاسی «وابسته» هستند. چین از جمله کشورهایی است که در چند دهه گذشته توانسته است با رشد اقتصادی سریع جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان را به خود اختصاص دهد. حفظ این جایگاه برای چین از حیاتی ترین مسائل در سیاست گذاری چین محسوب می گردد.

یکی از مهم ترین راهبردهای چین به منظور حفظ موقعیت اقتصادی بین المللی خود توجه ویژه به کشورهای در حال توسعه ضعیف است. این راهبرد تضمین کننده بخش عمده مواد اولیه مورد نیاز تولیدات چین می باشد. همچنین راهبرد مذکور بازار فروش کالاهای چینی را تضمین می نماید و عامل اصلی نزدیکی چین به کشورهای در حال توسعه بوده است. ارتباط چین با کشورهای در حال توسعه همواره با ابهام همراه بوده است. گروهی از نظریه پردازان در توجیه رفتارهای اقتصادی چین، قراردادهای تجاری چین را یک فرایند عادی منطبق بر قواعد بازار آزاد می دانند اما در دیگر سو برخی از نظریه پردازان تعاملات تجاری چین با بسیاری از کشورهای در حال توسعه عموماً ضعیف را حائز ویژگی های استثماری می دانند و قراردادهای تجاری میان چین و این کشورها را نوعی «تله بدهی» می دانند.

با بررسی برخی از قراردادهای چین با کشورهای مختلف به بندهای مشترکی در این قراردادها مواجه می شویم که همگی بر تضمین سود حداکثری چین تأکید دارند. «خروج از تعهدات به دلیل شرایط سیاسی»، «محرمانه بودن»، «شرط ثبات»، «عدم پرداخت متقابل» و «ایجاد حساب وثیقه ای برای وام» از جمله قیودی است که در بسیاری از قرارداد های چینی به شکل مشترک به چشم می خورد. به عنوان مثال «خروج از تعهدات به دلیل شرایط سیاسی» این اجازه را به دولت چین می دهد که در شرایط تغییر

1 functionalism  
2 spillover  
3 Convergence  
4 Multilateralism  
5 Neoliberalism  
6Condition of stability



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



رقیب (طبیعی بودن مرادوات مالی چین با کشورهای در حال توسعه) را با استناد به داده ها و تحلیل های علمی به چالش بکشد.

### ۱. چارچوب نظری؛ مرکانتلیسم<sup>۱</sup>

در بررسی روندهای اقتصادی کلان در بعد ملی و فراملی مرکانتلیسم می تواند ارائه دهنده یک تبیین جامع باشد. بررسی مسائل از منظر مرکانتلیسم با قراردعی دولت در مرکز معادلات و تمرکز بر منافع ملی درک درستی از تعاملات بین المللی به دست می دهد (Falkner, 2011: 9). در چند دهه اخیر که رویکرد های لیبرالیستی و رئالیستی در مطالعات مربوط به روابط بین الملل توسعه یافته است، رابرت گلیپین<sup>۲</sup> با تأکید بر نقش تعیین کننده دولت در عرصه اقتصاد و بازار آزاد بار دیگر مرکانتلیسم کلاسیک را در قالب نومرکانتلیسم احیا کرد (Gilpin, 2001: 23).

نومرکانتلیسم با نگاهی رئالیستی اقتصاد جهانی را بازی با حاصل جمع جبری صفر می داند. این دیدگاه منافع اقتصادی و ملی را با یکدیگر در هم می آمیزد و رهبری جهان را اختیار بازیگرانی می داند که می توانند کنترل بازار، فناوری و منابع را در اختیار گیرند. دیپلماسی تله بدهی چینی ترتیباتی را مدنظر قرار می دهد که در بسیاری از موارد شباهت زیادی به فاکتورهای مورد تأکید مرکانتلیسم دارد (Collins & Brien, 2003: 94). گلیپین در این رابطه تأکید دارد که « از نظر من مرکانتلیسم تلاشی است برای به حداکثر رساندن منافع دولت ها، خواه به نفع یا ضرر دیگر دولت ها باشد. هر کشوری وظیفه دارد سیاست های اقتصادی را دنبال کند که تشکیل دهنده نیاز های اقتصادی داخلی و جاه طلبی های خارجی آن باشد. در این بین نیازی نیست که نگران منافع دیگر بازیگران باشیم» (Gilpin, 1975: 46).

نومرکانتلیسم ها نظریه عرضه و تقاضا و منافع حاصل از روند های بازار را رد نمی کنند ولی این دسته از نظریه پردازان در تلاش هستند منافع دولت را همراستای منافع ملی قرار داده و عملکرد ملی و بین المللی بازار ها را در خدمت اهداف دولت قرار دهند. به این منظور دولت های نومرکانتلیست به دنبال دستیابی و مدیریت منابع استراتژیک و شرکت های مرتبط با این منابع هستند. دولت ها در تلاش هستند تا منافع تجاری شرکت های بزرگ را همراستای با سیاست های خود قرار دهند. در مرحله بعد دولت ها برای تضمین سود این شرکت ها در صدد کشف و تسلط بر بازارهای فراملی هستند (Ziegler & Menon, 2014: 34). در یک جمع بندی کلی از مرکانتلیسم می توان این موارد را به عنوان مهم ترین

<sup>1</sup> Mercantilism

<sup>2</sup> Robert Gilpin



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ابزاری جهت تبدیل موقعیت چین به عنوان هژمون جهانی یاد می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که چین توانسته است تا حد زیادی از این سازوکار برای تحقق اهداف خود بهره‌جوید (Shafiee: 2021)

- برهما چلانی<sup>۱</sup> نویسنده هندی به عنوان پیشگام مطالعات مربوط به تله بدهی چین، در سال ۲۰۱۷ در اثری با عنوان «دیپلماسی تله بدهی چینی» به بررسی رفتار چین در رابطه با اعطای وام‌های خارجی پرداخته است. چلانی در این اثر رفتار تجارت خارجی چین را استثماری و برگرفته از سنت‌های استعماری می‌داند. بکارگیری دیپلماسی تله بدهی و اضافه شدن آن به ادبیات علوم سیاسی حاصل تلاش‌های چلانی در اثر مذکور بوده است (Chellaney: 2017).

- «تیین دیپلماسی تله بدهی چین» عنوان طرح پژوهشی است که اندیشکده اقتصاد مقاومتی در سال ۱۴۰۰ به انجام رسانده است. در این طرح پژوهشی نویسندگان ضمن بازشناسی مهم‌ترین گزاره‌های مربوط به دیپلماسی تله بدهی چین به بررسی این مسأله پرداخته‌اند که چین به چه شکلی اقتصادهای ضعیف را در اقتصاد خود ادغام می‌کند. نتیجه حاصل از انجام این طرح پژوهشی این است که چین به منظور توسعه اقتصادی خود به جای رقابت همه‌جانبه با قدرت‌های بزرگ اقتصادی، بخشی از تعاملات تجاری خود را به سمت کشورهای ضعیف به منظور تنوع بخشی اقتصادی برده است.<sup>۲</sup>

- کتاب «هدیه چین در آفریقا» توسط دبرا بروتیگام<sup>۳</sup>، بررسی جامع و دقیقی از نقش چین در توسعه زیرساخت‌ها و اقتصاد آفریقا ارائه می‌دهد. این کتاب به تحلیل استراتژی‌های اقتصادی چین، به ویژه استفاده از دیپلماسی تله بدهی، می‌پردازد. این استراتژی شامل ارائه وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ به کشورهای در حال توسعه با شرایطی است که ممکن است این کشورها را در دام بدهی قرار دهد و نفوذ چین را در این کشورها افزایش دهد. این کتاب همچنین به بررسی نمونه‌های واقعی از پروژه‌های زیرساختی در آفریقا و نحوه تأثیرگذاری این پروژه‌ها بر اقتصاد و سیاست داخلی کشورها پرداخته است. بروتیگام با استفاده از داده‌ها و مصاحبه‌های گسترده، نشان می‌دهد که چگونه چین از این استراتژی برای تقویت نفوذ خود در عرصه بین‌المللی و تامین منابع مورد نیاز خود بهره‌برداری می‌کند (Brautigam: 2011).

<sup>1</sup> Brahma Chellaney

<sup>3</sup> Brautigam, D

<sup>۲</sup> این طرح در پایگاه اینترنتی [mett.ir](http://mett.ir) قابل دریافت می‌باشد.





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



وام های پرداختی کشور چین به کشورهای در حال توسعه با وضعیت اقتصادی ضعیف و موقعیت سیاسی متزلزل بکار برد (Chellaney: 2017, 5). این اصطلاح در شرایطی به ادبیات سیاسی اضافه گشت که کشورها تحت تأثیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ با مشکلات اقتصادی متعددی مواجه بودند. دیپلماسی تله بدهی شرایطی را مفروض می داند که بازیگر وام دهنده با نیت سوء اقدام به پرداخت وام به بازیگران مورد نظر (که عموماً دولت ها هستند) می کند. این اصطلاح در بردارنده بار معنایی منفی است که نشان دهنده سو استفاده دولت وام دهنده از وضعیت بد اقتصادی دولت های وام گیرنده است. با پایان جهان دوقطبی و تغییر در ساختار نظام بین الملل اقتصاد در کنار قدرت بازدارندگی سخت توانست بر تعاملات بین المللی اثرات عمیقی داشته باشد. این اثرات به دوشیوه بر عملکرد دولت ها موثر بوده است؛ نخست اینکه در شرایط «پیوستگی» اقتصاد بین الملل بازیگرانی که «نظم گریز» شناخته می شوند تحت تأثیر رژیم های اقتصادی کنترل رفتاری مجبور به پذیرش نظم حاکم بر نظام بین الملل می گردند و یا اینکه هزینه های مربوط به «نظم گریزی» را با «انزوای اقتصادی» پرداخت نمایند؛ دومین روش مربوط به وابستگی اقتصادی است. در این روش بازیگران اقتصادی توانمند با وابسته کردن اقتصاد بازیگران ضعیف به اقتصاد خود در صدد نفوذ سیاسی و اقتصادی در این قبیل کشورها هستند؛ وضعیتی که از آن با عنوان «تله بدهی» یاد می شود. در وضعیت «تله بدهی» بازیگرانی بیشترین وابستگی را به کشور وام دهنده پیدا می کنند که سهم کمتری از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند. این وضعیت به دو دلیل اتفاق می افتد؛

نخست اینکه مطابق با الگوهای رئالیستی، بازیگران بزرگ در پیوند با دیگر قدرت های اقتصادی، یک بلوک اقتصادی ضمنی ایجاد می نمایند و تلاش برای بکارگیری دیپلماسی تله بدهی در قبال این نوع کشورها به منزله تحلیل رفتن بخش زیادی از توان اقتصادی خواهد بود (Green, 2019: 2). دوم اینکه بازیگرانی که در وضعیت نامساعد اقتصادی قرار دارند معمولاً به دلیل شرایط تحمیلی از جانب اجماع بازیگران بزرگ نظام بین الملل شرایط استفاده از سازوکارهای معمول اقتصادی نظیر بانک جهانی و صندوق های مالی را ندارند. بنابراین به منظور تسهیل احیای زیرساخت های اقتصادی اقدام به دریافت وام های کلان از بازیگران بزرگ اقتصادی نظیر چین می کنند (Stockhammer, 2012: 91). کشور چین به عنوان دومین قدرت بزرگ اقتصادی با تولید ناخالص داخلی ۱۸/۵۳ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> داده ها قابل بروز رسانی در وبسایت صندوق بین المللی پول به نشانی [www.imf.org](http://www.imf.org) می باشند.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



وام ها توسط این کشورها بسیار پایین است. مسأله حائز اهمیت این است که چرا چین علی رغم ناتوانی وام گیرندگان با اقتصادهای بسیار ضعیف کماکان مبادرت به پرداخت وام به این کشورها می کند؟ دولت چین سازوکارهای خاصی را در این رابطه اعمال می نماید که در ادامه به آنها می پردازیم.

#### ۴. ویژگی های دیپلماسی تله بدهی چینی

با بررسی دیپلماسی تله بدهی چینی از دیدگاهی نومرکانالیستی می توان ویژگی هایی را استخراج کرد که همگی تأمین کننده منافع اقتصادی و سیاسی چین هستند. از جمله این ویژگی ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

##### ۱-۴ محرمانه بودن

با بررسی روند اعطای وام های چین از سال ۲۰۰۰ تا کنون به مسأله محرمانه بودن شرایط و قیود بازپرداخت وام ها پی می بریم. از میان ۱۰۰ وام بررسی شده در بازه زمانی مذکور که توسط سازمان تحقیقاتی (AIDDATA)<sup>۱</sup> مورد ارزیابی قرار گرفته است، ۱۰۰ درصد وام های بانک توسعه چین (CDB) و ۵۰ درصد از قراردادهای بانک صادرات - واردات چین در شرایط محرمانه بودن منعقد شده اند (Gelpern, 2021: 22). مسأله اصلی در تفاوت محرمانه بودن وام های چین با دیگر کشورها این است که در دیگر قراردادهای اصل محرمانه بودن قرارداد بر عهده وام دهنده است؛ یعنی اینکه چنین شرطی عموماً به خواست دولت دریافت کننده به منظور محرمانه ماندن جزئیات در متن قرارداد گنجانده می شود اما در رابطه با وام های چینی این کشور وام ها را با قید شرط محرمانه ماندن کلیه جزئیات به دریافت کننده پرداخت می کند. در واقع چین شرایط محرمانه ماندن جزئیات را به دریافت کنندگان وام تحمیل می کند. با تحمیل این شرایط بر دریافت کنندگان وام اولاً دریافت کنندگان با ظهور مشکلات احتمالی بعدی در ارائه دادرسی به دادگاه های بین المللی با مشکلات جدی مواجه خواهند شد؛ چرا که شفافیت مبادلات پولی و مالی در نظام موضوعه حقوق بین الملل اقتصادی یک اصل پذیرفته شده عمومی است و تخطی از این اصل ضمن ایجاد مسئولیت بین المللی روند دادرسی در مجامع بین الملل را با چالش های عمیق همراه خواهد ساخت. تفاوت دیگر وام های پرداختی چین با سایر کشورها در جامعیت اصل محرمانه بودن است. به عبارت دیگر در وام های پرداختی سایر کشورها عموماً بخش کوچکی از مفاد قراردادها ممکن است متأثر از شرایط دو طرف محرمانه بماند ولی در بسیاری از وام



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



فرصت بیشتر برای پرداخت، تقسیم بندی مجدد اقساط و ... از جمله روش های گروه پاریس کلاب است. در سال ۱۹۸۸ بسیاری از کشورهای وام دهنده از طریق پاریس کلاب تصمیم گرفتند مبلغ بدهی کشورهای ناتوان از پرداخت را تا ۳۳ درصد کاهش دهند. به این روش اصطلاحاً «شرایط تورنتو»<sup>۱</sup> گفته شد. به دلیل فقر مضاعف دریافت کنندگان وام شرایط تورنتو نتوانست بحران بدهی را حل نماید. بنابراین در سال ۱۹۹۱ وام دهندگان شرایط جدیدی موسوم به «شرایط لندن» را ایجاد کردند که در آن بدهی کشورهای فقیر تا ۵۰ درصد کاهش می یافت ولی این شرایط نیز نتوانست بحران بدهی ها را حل کند. بر این اساس در سال ۱۹۹۶ صندوق بین المللی پول با همکاری بانک جهانی «ابتکار کشورهای به شدت بدهکار و فقیر» را ایجاد کردند که کمک های فراوانی به اقتصاد کشورهای فقیر دریافت کننده وام اعطا می کرد (Khan, 2020: 14-15). این کمک ها مشروط به انجام اصلاحات مدنظر وام دهندگان در ساختار اقتصادی کشورهای وام گیرنده بود.

چین برخلاف رویه پاریس کلاب هر نوع سازوکاری که به تخفیف تعهدات و یا بازطراحی اقساط وام ها منتهی شود را ممنوع اعلام کرده است. این شرایط تقویت کننده دیپلماسی تله بدهی چینی است؛ چرا که بررسی وضعیت اقتصادی دریافت کنندگان وام نشان می دهد که این کشورها توان بازپرداخت بدهی خود را ندارند. بنابراین با بازطراحی اقساط و کاهش تعهدات می توان بخشی از بدهی را وصول نمود اما دولت چین چنین اقداماتی را ممنوع اعلام کرده است. به عنوان مثال «اگزیم بانک»<sup>۲</sup> (بانک صادرات - واردات) چین در تسهیلات اعطایی خود به دولت قرقیزستان جهت احداث راه جایگزین راه شمال - جنوب، بند زیر را در قرارداد گنجانده است:

«دریافت کننده وام تعهد می نماید که مسئولیت هایی که در این توافق بر عهده گرفته است جدای از تعهداتی است که در توافق با سایر طلبکاران اعم از طلبکاران رسمی، طلبکاران عضو پاریس کلاب و سایر طلبکاران می باشد. همچنین دریافت کننده وام تعهد می نماید از درخواست اجرای «ضوابط مقایسه ای»<sup>۳</sup> که در سایر قراردادهای دریافت وام طرح شده است و یا بعداً طرح شود، در توافق میان خود و طرف چینی امتناع نماید» (Eximbanks, 2024).

<sup>1</sup> Toronto conditions

<sup>2</sup> Eximbanks

<sup>3</sup> Comparability این اصل یک اصل تجاری پذیرفته شده در سطح بین الملل است که به موجب آن کشورها و شرکت های بزرگ تجاری پذیرفته اند که با انتشار گزارش های مالی خود اجازه بدهند کاربران با مقایسه این گزارش ها با نمونه های مشابه در دوره های مختلف و همچنین مقایسه با دیگر نهادها و شرکت ها بپردازند.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



#### ۴-۴ قدرت سیاسی چین

یکی از مهم ترین موارد اثرگذار بر تقویت دیپلماسی تله بدهی چینی استفاده این کشور از موقعیت سیاسی خود در نظام بین الملل است. این کشور علاوه بر موقعیت اقتصادی ویژه در سطح بین المللی، از موقعیت سیاسی ویژه ای نیز برخوردار است. کشور چین با در اختیار داشتن حق وتو شورای امنیت سازمان ملل و تثبیت موقعیت هژمونیک منطقه ای از موقعیت سیاسی منحصر به فردی برخوردار است. این موقعیت سیاسی اثر مستقیمی بر دیپلماسی تله بدهی چینی داشته است. از جمله موارد اثرگذار می توان به موارد زیر اشاره کرد:

##### الف) قید بازپرداخت در شرایط ناتوانی مالی

به موجب بند عدم پرداخت متقابل کشور چین این حق را برای خود محفوظ می دارد که در صورت ناتوانی کشور دریافت کننده وام، پرداخت وام را در هر مرحله متوقف ساخته و پرداخت سریع و کامل وام خود را مطالبه نماید. این بند در بسیاری از وام ها مرسوم نبوده و ارتباط مستقیمی با قدرت سیاسی وام دهنده دارد. در شرایط معمول، کشور وام گیرنده در صورت ناتوانی از پرداخت بدهی ها نهایتاً موظف به پرداخت سود حاصل از تأخیر می باشد ولی در رابطه با وام های چینی شرایط متفاوت است. وجود این قید به دولت چین این اجازه را می دهد که در صورت کمبود منابع مالی لازم در کشور وام گیرنده در اولویت دریافت کنندگان بدهی قرار گیرد و بدهی خود را «کامل» و «سریع» دریافت کند. قید مذکور صرفاً محدود به موارد مطرح شده نیست و هر مسأله ای که امنیت سرمایه گذاری چین در کشور دریافت کننده وام را تحت تأثیر قرار دهد را شامل می گردد (Gelpern, 2021: 7).

##### ب) فسخ کلی یا متقابل

دولت چین و نهاد های مالی وابسته به آن با قرار دادن این بند در قرارداد های مربوط به اعطای وام به دیگر دولت ها از سایر منافع خود در کشورهای دریافت کننده وام حمایت می کنند. وجه تمایز فسخ متقابل با عدم پرداخت در این است که وام گیرندگان در شرایط ناتوانی از پرداخت وام مجبور به تبعیت از تعهدات مربوط به قید «عدم پرداخت» هستند ولی در شرایط فسخ کلی در یافت کنندگان وام نمی توانند یک سویه و بدون توافق دولت چین اقدام به فسخ قرارداد کنند. این وضعیت مستقیماً مربوط به قدرت سیاسی چین است. در این شرایط اگر دریافت کنندگان وام به فسخ یکی از قراردادهای خود با چین مبادرت کنند، دولت چین می تواند دیگر قراردادها با فسخ کننده را به استناد به قید «عدم پرداخت متقابل» (Cross Default) فسخ نماید. در سال ۲۰۱۲ پروژه بازسازی خط بلغرانو آرژانتین با اعتباری





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## پ) قطع روابط دیپلماتیک

در برخی از قراردادها میان کشور چین و دریافت کنندگان وام شرایطی پیش بینی شده است که دولت چین در شرایطی که دریافت کنندگان ناتوان از بازپرداخت بدهی خود باشند این کشور به واسطه قطع روابط دیپلماتیک و یا تهدید به آن بتواند مطالبات خود را به صورت کامل دریافت نماید (Luo, 2022: 5). هرچند در قراردادهای مذکور به صراحت قیدی با عنوان قطع روابط دیپلماتیک قرار داده نشده است ولی گزاره «بازپرداخت فوری مطالبات به علت ناتوانی یا علل دیگر» می تواند منتهی به قطع روابط دیپلماتیک گردد. وجود چنین قیدها و عباراتی در قراردادهای چین و دریافت کنندگان وام قدرت چانه زنی این کشور را بسیار افزایش داده است و دیپلماسی تله بدهی چینی را بیش از پیش تقویت می نماید.

## ۴-۵ تغییرات سیاسی

وجود این قید در قراردادهای اعطای وام با اندکی تفاوت تحت عنوان «غیر قانونی بودن» امری مرسوم است. این قید برای مقابله با تغییرات احتمالی قوانین بانک و یا سازگاری با تحریم های احتمالی است که مرادوات بانکی با کشور هدف را غیر قانونی می کند (Albayrak, 2022:34). بر اساس این قید هر نوع تغییرات سیاسی در کشور دریافت کننده وام به هر شکلی که منافع دولت چین را تحت تأثیر قرار دهد موثر بر منافع دولت چین نخواهد بود و دولت دریافت کننده وام موظف به جبران کلیه خسارات خواهد بود. اهمیت وجود این قید در قرارداد ناشی از وابستگی بخش بزرگی از بانک های مطرح جهان به دلار است و دولت چین به منظور پیشگیری از تحریم بانک های خود تحت تأثیر مرادوات مالی با کشورهای تحریم شده خواهد بود.

تغییرات سیاسی در قراردادهای میان بانک های چینی و وام گیرندگان با واژگان «کلی<sup>۱</sup>» و «عمومی<sup>۲</sup>» قید می گردد؛ چرا که بانک های چینی در تلاشند تا موارد پیشبینی نشده را بتوانند به استناد به این قید تحت پوشش قرار دهند. بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای بررسی شده توسط موسسه تحقیقاتی (AIDDATA) تغییرات سیاسی در کشور وام گیرنده یا وام دهنده را مسأله ای در رابطه با عدم پرداخت وام (Default) معرفی می کنند و در این وضعیت حق خروج از قرارداد و بازپرداخت سریع مطالبات را برای کشور پرداخت کننده تسهیلات در نظر می گیرند (Gelpert, 2021: 42). این وضعیت تأمین کننده منافع بانک های چینی پرداخت کننده تسهیلات در شرایط مختلف خواهد بود.

<sup>1</sup> overall

<sup>2</sup> general



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



گزارش صندوق بین المللی پول، کشورهای کم درآمد جهان، کمتر از یک درصد بدهی شرکت های خود به خارج را اعلام می کنند، در نتیجه ممکن است این قبیل کشورها تصویر نادرستی از میزان و شرایط وام دریافتی از چین داشته باشند. بنابراین چین در پرداخت وام ها از شفافیت برخوردار نیست. تقریباً ۵۰ درصد از وام های چین به کشورهای در حال توسعه هیچ گاه به صورت رسمی گزارش نشده است. از سال ۲۰۱۶ مبلغ وام های گزارش نشده حدود ۲۰۰ میلیارد افزایش یافته است (Horn, 2020: 11). وام های چینی برای دریافت کنندگان مشکل ساز بوده است، چرا که اولاً این وام ها شرایط باز پرداخت کوتاهی دارند و نرخ بهره آن ها در مقایسه با وام های بانک جهانی به شدت بالاست. ثانیاً وام های پرداختی در تأمین زیرساخت هایی هزینه می شوند که زود بازده نیستند. همچنین عدم شفافیت در اعلام شرایط وام ها، کشورهای دریافت کننده را در پرداخت بدهی با مشکل مواجه می کند. در چنین وضعیتی چین کشورهای وام گیرنده را موظف می کند تا در ازای وام های دریافتی، امتیاز های اقتصادی مانند بهره برداری از معادن یا اجاره ۹۹ ساله بندرها، نیاز های نظامی مانند واگذاری پایگاه های نظامی، امتیاز های سیاسی مانند قطع رابطه یا عدم حمایت از تایوان و... را به چین اعطا کنند.

سريلانكا از جمله كشورهايي است كه قرباني ديپلماسي تله بدهي چيني بوده است. البته برخي نظريه پردازان وضعيت سريلانكا را ناشي از ضعف مديريت داخلي و بلند پروازي رهبران آن عنوان کرده اند ولي بررسي ديپلماسي چين در منطقه سريلانكا تئوري تله بدهي چين را تقويت مي كند. سريلانكا در مواجهه با ديپلماسي تله بدهي چين و در شرايط ناتواني از پرداخت بدهي خود به چين بندر هامانتوتا را به مدت ۹۹ سال به اين کشور واگذار نمود. اهميت بندر هامانتونا به قرن ها پيش بر مي گردد و به عنوان بخشي از راه ترانزيت بين المللي براي چين، ايران و کشورهای عربي داراي اهميت زيادي بوده است. اين بندر به دليل خسارت ناشي از سونامي در سال ۲۰۰۴ تقريباً غير قابل استفاده شد. در سال ۲۰۰۸ با تلاش های «ماهيندا راجاپاكسا»<sup>۲</sup> نخست وزير سريلانكا اقدامات مربوط به نوسازي اين بندر شروع شد. راجاپاكسا جهت تأمين مالي اين پروژه مبلغ ۳۶۱ ميليون دلار را با نرخ بهره ۶/۳ درصد (در شرايطي كه نرخ وام های بانک جهانی کمتر از ۳ درصد است) از بانک های چيني وام گرفت و پروژه احياي بندر را به پايان رساند. بدهي سريلانكا به چين محدود به هزينه های مربوط به احياي بندر نيست و امروزه حدود نه ميليارد دلار به چين بدهكار است. عمده بدهي سريلانكا به دليل اجرائي پروژه های

<sup>1</sup> Hambantota

<sup>2</sup> Mahinda Rajapaksa



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



چین قرار می‌گیرند را تا سقف ۴ میلیارد دلار بر عهده گیرد و دولت ونزوئلا نیز متعهد می‌شود روزانه ۲۳۰ هزار بشکه نفت خام به چین صادر کند. نکته حائز اهمیت تعریف «حساب تجمیعی» در این قرارداد است. در این حساب تجمیعی چین مبلغ وام را واریز نموده بود ولی ونزوئلایی‌ها روزانه به میزان صادرات نفت به چین حق برداشت از حساب را داشتند. وجود چنین شرایطی در وام‌های چینی ونزوئلا را به یکی از بزرگترین بدهکاران جهان سوم تبدیل کرد و اقتصاد و امنیت این کشور را به کشور چین پیوند زد. البته عامل تله بدهی چینی تنها فاکتور اثرگذار بر وضعیت اقتصادی ونزوئلا نبوده است و موارد دیگری از جمله تحریم‌های آمریکا نیز بر این مسأله تأثیر داشته‌اند.

## ۶. آموزه‌هایی برای ایران

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در چند دهه اخیر به دلیل محدودیت‌های اعمالی از سوی رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات و همچنین تحریم‌های مستقیم ایالات متحده آمریکا از لحاظ اقتصادی نیازمند تعاملات اقتصادی با کشور چین است. قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران با چین و عدم انتشار مفاد این قرارداد تقویت‌کننده فرضیه بکارگیری تله بدهی چین در رابطه با ایران بوده است. با توجه به کارکرد‌های مشخص دیپلماسی تله بدهی چین و خطرات احتمالی آن برای ایران در تعاملات اقتصادی با این کشور، توجه به موارد زیر از الزامات دیپلماسی اقتصادی ایران در مواجهه با چین خواهد بود.

### ۱. کاهش ابزارهای کنترلی و اعمال فشار در قراردادهای متنوع بخشی به قراردادهای

یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترلی، استناد چین به بند مربوط به «عدم پرداخت و فسخ متقابل» است. جمهوری اسلامی ایران با تنوع بخشی در قراردادهای باید مانع از اعمال این بند در قراردادهای شود. این بند در شرایطی که ایران نتواند بدهی مربوط به یکی از سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران را پرداخت کند به سرمایه‌گذاران چینی اجازه می‌دهد که دیگر قراردادهای خود با ایران را به صورت یک جانبه و بدون محدودیت لغو نمایند. اضافه کردن بندی با عنوان «مفاد قرارداد صرفاً قابل اعمال در این قرارداد است» می‌تواند قید «عدم پرداخت و فسخ متقابل» را در دیگر قراردادهای بی‌اثر سازد.

### ۲. تأمین نیروی کار و مواد اولیه از داخل

یکی از فاکتورهای اصلی دیپلماسی تله بدهی چینی (که عموماً در آفریقا نمود بیشتری دارد) استفاده از نیروی کار چینی در اجرای پروژه‌ها می‌باشد. در بسیاری از کشورهای آفریقایی احداث پروژه‌های زیرساختی توسط چین نه تنها رونق اقتصادی را به همراه نداشته بلکه باعث افزایش نرخ بیکاری و میزان



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نفت بکاهند، دوم اینکه این پروژه ها باید مبتنی بر تکمیل زنجیره ارزش باشند به این معنا که با اجرای یک یا دو پروژه در کشور، پروژه بعدی از سود حاصل از دو پروژه نخست تأمین اعتبار گردد و سومین ویژگی مربوط به مطلوبیت است. این ویژگی به جذابیت بازار سرمایه گذاری ایران برای طرف چینی مربوط می شود. سازمان برنامه و بودجه در معرفی طرح های ایرانی به منظور جذب سرمایه چین باید اولویت ها، محدودرات و مقدورات، علایق سرمایه گذاران و موقعیت ها را مد نظر قرار داد.

#### ۵. تنوع بخشی به شرکای تجاری

یکی از مهم ترین ویژگی های مشترک قربانیان تله بدهی چین محدودیت های تجاری است. برخی به دلیل تحریم های بین المللی، برخی برخی به دلیل عدم مشارکت مؤثر در سازمان های تجاری بین المللی و برخی دیگر نیز به دلیل رژیم های غیر دموکراتیک از توان بالایی در جذب سرمایه گذاری خارجی برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی ایران با تحریم های چندجانبه کتتری مواجه است که برای کم اثر کردن آن باید فضای اقتصادی کشور را تنوع بخشید. این کشور ظرفیت بسیار بالایی در اجرای مگاپروژه ها در بخش های مربوط به صنایع هیدروکربنی، معادن، حمل و نقل و... را دارد. از این جهت می تواند در اولویت سرمایه گذاری بسیاری از سرمایه گذاران خارجی قرار گیرد. کشور چین درک نسبتاً بهتری از دیگر بازیگران بین المللی در رابطه با ظرفیت های ایران دارد. تخصیص بخش زیادی از قراردادهای اقتصادی با چین می تواند در آینده نزدیک دیگر شرکای تجاری ایران را از صحنه معادلات مالی خارج سازد. این ویژگی از جمله تبعات منفی دیپلماسی تله بدهی چین محسوب می گردد. در صورت تحقق چنین وضعیتی چین می تواند فاکتورهای سیاسی را بر موضوعات اقتصادی تحمیل کند و این امر می تواند هزینه های زیادی بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل نماید. توسعه شرکای تجاری و استفاده از ظرفیت های منطقه ای می تواند سوپاپ اطمینانی در مقابل دیپلماسی تله بدهی چین برای ایران باشد.

#### نتیجه گیری

دولت چین طی سال های ۲۰۰۰ میلادی به بعد همواره در صدد گسترش حوزه منافع خود در خارج از مرزهای چین بوده است. اتخاذ سیاست های «کمر بند - راه» و «عزیمت به خارج»، نفوذ کشور چین در کشورهای در حال توسعه نیازمند اقتصادی را بیش از پیش کرده است. این کشور به منظور پیشبرد برنامه های اقتصادی و گسترش نفوذ سیاسی مجبور به استفاده از برخی ابزار های سیاسی و اقتصادی نامتعارف است. تله بدهی از جمله ابزارهای اقتصادی است که منافع سیاسی و راهبردی ارزشمندی برای چین به همراه داشته است. دیپلماسی تله بدهی چین با مکانسیم خاص خود اولاً منافع سیاسی - اقتصادی چین





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- Albayrak, A. (2022). China and Neo-Techno Nationalism In today's world, where the lines between economic and security concerns are blurred, countries should calculate their response well and act accordingly when implementing strict techno-nationalist policies.
- Brautigam, D. (2011). *The Dragon's Gift: The Real Story of China in Africa*. Oxford University Press.
- Chellaney, Brahma (2017). China's Debt-Trap Diplomacy. *Livemint*, 27 Jan 2017. Available at: <https://www.livemint.com/Opinion/21P46wIPXj00K8VUKMu9oN/Chinas-debttrapdiplomacy.html>.
- Collins, N. & O'Brien, D. (2023). Neo-mercantilism in action: China and small states. *International Politics*, 60 (3), 635-658. doi: 10.1057/s41311-022-00419-3.
- Eximbanks, (2024), China Loans Report, Available on the website: <http://english.eximbank.gov.cn/Business/TradeFB>.
- Fajgelbaum, P. D. & Khandelwal, A. K. (2022). The economic impacts of the US-China tradewar. *Annual Review of Economics*, 14, 205-228. doi: 10.1146/annurev-economics-051420-110410.
- Falkner, R. (2011). *International political economy*. University of London.
- Gelpner, A., Horn, S., Morris, S., Parks, B., & Trebesch, C. (2021). How China Lends: A Rare Look Into 100 Debt Contracts With Foreign Governments, p: 22-40
- Gilpin, R. (1987). *The Political Economy of International Relations*. Princeton: Princeton University Press.
- Gilpin, R. (2001). *Global political economy: Understanding the international economic order*. Princeton University Press. doi: 10.1515/9781400831272.
- Green, Mark (2019). China's Debt Diplomacy: How Belt and Road Threatens Countries' Ability to Achieve Self-reliance. *Foreign Policy*, April 25, 2019. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/04/25/chinas-debt-diplomacy/>, Accessed on: 7 Jun2020.
- Grygiel, J. J. (2006). *Great Powers and Geopolitical Change*. JHU Press.
- Horn, Sebastian et al. (2020) China's Overseas Lending and the Looming Developing Country Debt Crisis. *Vox Ceoer Policy Potal*, 04 May 2020. Accessed on: 9 Jun2020. Available at: <https://voxeu.org/article/china-s-overseas-lending-and-loomingdeveloping-country-debt-crisis>.
- Khan, Hafeez. (2020). China, the emerging economic power: options and repercussions for Pak-US relations. *International Politics*, pp 1-26.
- Kindleberger, C. P. (1973). *The World in Depression: 1929-1939*. Oakland, CA: University of California Press.
- Luo, Y. (2022). Illusions of techno-nationalism. *Journal of International Business Studies*, 1-18.022). doi: 10.1057/s41267-021-00468-5
- Nyabiage, Jevans. (2020). Africa has a Question for Beijing: will you forgive us our Debt? *South China Morning Post*, 5 May. Available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3082832/africa-has-questionbeijing-will-you-forgive-us-our-debt>, Accessed on: 3 Jun2020.
- Shackl, Samira (2018). The Cost of China's Belt and Road. *Center for International Governance Innovation*. 16 October. Available at:



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی